

المخطوطات العربية: قاهره، معهد المخطوطات
بجامعة الدول العربية، ۱۳۸۱ق؛ المغرب فی
العهد العثماني: به کوشش عبدالرحمن، رباط،
کلیة الآداب، ۱۹۹۵م.

سید محسن طاهری



احرام: نخستین عمل واجب حج و عمره و از ارکان آن دو

واژه احرام از ریشه «ح - ر - م» به این معانی
است: منع کردن و بازداشتن^۱؛ و درآمدن به
حریمی که هتک حرمت آن روا نیست^۲، مانند
ورود به حرم یا ماه حرام^۳ یا عهد و پیمانی خاص^۴.
در منابع فقهی تعاریف گوناگون از احرام
عرضه شده است. برخی آن را از گونه اعمال
بیرونی دانسته و به معنای ورود در اعمال حج
و عمره^۵ با پوشیدن لباس احرام و تلبیه*
شمرده‌اند. بعضی آن را عملی قلبی به شمار
آورده و به معنای نیت^۶ یا به تعبیر دیگر نیت

ورود به اعمال حج یا عمره^۸، قصد یا التزام به
ترک محرّمات خاص^۹ و یا آماده ساختن خود
برای ترک محرّمات تا پایان مناسک
دانسته‌اند.^{۱۰} شماری آن را ترکیبی از نیت و
تلبیه یا هر دو و پوشیدن لباس احرام
شمرده‌اند.^{۱۱} برخی نیز آن را امری اعتباری
دانسته‌اند که پس از نیت حج یا عمره و تلبیه^{۱۲}
یا پس از التزام یا قصد ترک محرّمات^{۱۳} خود
به خود حاصل می‌شود، چنان‌که طهارت پس
از وضو یا غسل خود به خود فراهم می‌گردد.

این کار را از آن رو احرام می‌نامند که
احرام‌گزار برخی کارها را که پیش‌تر بر وی
حلال بوده^{۱۴} یا کارهایی را که با اعمال حج
و عمره ناسازگار است، بر خود حرام
می‌شمرد.^{۱۵} به فرد در حالت احرام «مُحْرَم»^{۱۶}
می‌گویند و مقصود از واژه حُرْم (جمع حرام)
را در قرآن محرم دانسته‌اند.^{۱۷} (مانده/۵، ۱، ۹۵)
احرام از مهم‌ترین واجبات حج و عمره و به

۸. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۷۶؛ حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۵۰.
۹. جامع المدارک، ج ۲، ص ۳۷۸؛ المعتمد، ج ۲، ص ۴۷۸، «کتاب
الحج».
۱۰. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۳۹؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۴۷۶.
۱۱. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۲۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۹۸.
۱۲. المعتمد، ج ۲، ص ۴۸۳، «کتاب الحج».
۱۳. مستمسک العروه، ج ۱۱، ص ۳۵۹.
۱۴. تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۳۶؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۱.
۱۵. معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص ۳۳.
۱۶. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۰؛ المقنعه، ص ۴۳۱-۴۳۲.
۱۷. الکشاف، ج ۱، ص ۵۹۱؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۱۷.

۱. الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۹۷؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۵؛
لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۲۲، «حرم».
۲. الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۹۷؛ تاج العروس، ج ۱۶، ص ۱۳۴، «حرم».
۳. العین، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۲؛ الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۹۷.
۴. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۵؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۲۳.
۵. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۷۶؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۵۶؛
کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۱.
۶. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۹۷-۱۹۹.
۷. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۲۴؛ مستمسک العروه، ج ۱۱،
ص ۳۵۸.

نظر فقیهان شیعه^۱ و اهل سنت^۲ از ارکان این دو عبادت به شمار می‌رود که ترک عمدی آن، حج و عمره را باطل می‌سازد. بر این اساس، بخشی مهم از مبحث حج در منابع فقهی به احرام اختصاص یافته است.

◀ **حکمت احرام:** در قرآن، روایت‌ها و آرای دانشمندان اسلامی، اسرار و حکمت‌های گوناگون برای احرام یاد شده است. آیه ۱۹۷ بقره/۲ حکمت احرام و ترک برخی محرمات را تقوا بر شمرده است: ﴿فَمَنْ قَرَضَ فِيهِنَ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾. در حدیثی، سبب تشریح احرام، ورود حاجیان به حرم مکی به شمار رفته است.^۳

بر پایه حدیثی دیگر، حکمت وجوب احرام پیش از ورود به حرم الهی، ایجاد حالت خضوع و خشوع، کناره‌گیری از کارها و لذت‌های دنیایی، و صبر در برابر سختی‌ها دانسته شده است.^۴ هر یک از مقدمات احرام نیز حکمت و اسراری ویژه دارد. مثلاً سفارش به کوتاه نکردن موی سر و صورت پیش از

احرام^۵ از این روست که حج گزار خود را فراموش کند و تنها به معبودش بیندیشد. حکمت غسل احرام آن است که افزون بر پاکی از آلودگی‌های ظاهری، طهارت از آلودگی‌های روحی و باطنی نیز فراهم آید و محرم با ظاهر و باطن پاک به خانه خدا قدم گذارد.^۶ بیرون آوردن لباس‌های دوخته و پوشیدن لباس احرام را نماد بیرون آوردن لباس گناه، نفاق و ریا و پوشیدن جامه طاعت و بندگی خدا دانسته‌اند.^۷

حکمت سفارش به پوشیدن لباس ساده و یکنواخت احرام، از میان رفتن امتیازهای ظاهری و تعارض‌های طبقاتی^۸ و نیز یادکرد مرگ و قیامت شمرده شده؛ همان روزی که همه انسان‌ها با پوششی ساده روی در خاک می‌پوشانند و نیز همان روز که با جامه‌ای ساده محشور می‌شوند.^۹ تلبیه پاسخی است خالصانه به دعوت خداوند برای تمسک به دستاویز الهی^{۱۰} و نیز زبان گشودن به حق و طاعت و وارستگی از گفتار باطل و معصیت^{۱۱}؛ و هم تردد محرم میان خوف و رجا و تقویت آن؛

۱. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۷۶؛ مجمع الفائدة، ج ۶ ص ۱۷۵.
 ۲. المجموع، ج ۸ ص ۲۶۵؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۸۰.
 ۳. المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۵.
 ۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۴؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۲۷.
 ۵. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۶۰.
 ۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۷؛ اسرار و معارف حج، ص ۱۱۲.
 ۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۱.
 ۸. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۶۰۳؛ صهبای حج، ص ۳۴۹.
 ۹. احکام القرآن، ج ۲، ص ۶۰۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۴.
 ۱۰. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۴.
 ۱۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۷؛ صهبای حج، ص ۳۷۸.

خوف از این که خداوند پاسخ او را ندهد و امید به این که به او پاسخ مثبت دهد.^۱ گزارش شده که رنگ چهره امام سجاد علیه السلام هنگام تلبیه به زردی می‌گرایید و لرزه بر اندام ایشان می‌افتاد و در بیان راز این حالت می‌فرمود: می‌ترسم خدا در پاسخ لیبیک من بگوید «لا لیبیک ولا سعیدیک».^۲ نیز گزارش شده که ایشان در حال تلبیه، گاه در آستانه افتادن از مرکب بود.^۳ هر یک از محرمات احرام را نیز دارای اسراری دانسته‌اند. مثلاً سبب حرام شدن صید، آزمایش آدمیان و بازشناسی افراد فرمانبردار از نافرمانان است.^۴ «لَيَلْبُؤَنَّكُمُ اللَّهُ بِئْتِيٍّ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ...» (مائده/۵، ۹۴) زیر سایه رفتن از آن رو بر مردان حرام شده که با بردباری و صبر آنان در برابر گرمای آفتاب، گناهان ایشان محو گردد.^۵ نگاه کردن در آینه و سرمه کشیدن از آن رو ممنوع شده که زینت دنیوی و توجه به خویشتن فراموش شود.^۶ حکمت ممنوعیت حمل سلاح آن است که امنیت و آسایش برای همگان تأمین و روح صلح و صفا و احترام به حریم دیگران در حج گزار

تقویت شود.^۷

◀ **پیشینه احرام:** بر پایه برخی روایات، احرام پیشینه‌ای به قدمت بنای کعبه و حج دارد. در حدیثی آمده که خداوند هیچ فرشته‌ای را به زمین نمی‌فرستد، مگر آن که او را به زیارت کعبه فرمان می‌دهد و آن فرشته از کنار عرش الهی احرام بسته، لیبیک گویان به سوی کعبه فرود می‌آید.^۸ بر پایه حدیثی از امام صادق علیه السلام، پس از توبه آدم علیه السلام جبرئیل احرام و تلبیه را به او آموخت و به وی فرمان داد تا برای اعمال حج غسل کند و احرام بندد.^۹ بر پایه روایتی دیگر، جبرئیل پیش از اعمال حج، چگونگی احرام را به حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام آموخت و پس از احرام بستن، شیوه حج‌گزاری را به آنان تعلیم داد.^{۱۰} در حدیث آمده که حضرت موسی علیه السلام برای حج از رحله مصر محرم شد^{۱۱} و با دو جامه پنبه‌ای بر تن، لیبیک گویان به سوی مکه رفت.^{۱۲} در روایتی دیگر، به همراهی ایشان با ۷۰ تن از پیامبران الهی هنگام احرام اشاره شده است.^{۱۳} در میان اعراب جاهلی نیز احرام بستن برای

۷. نک: اسرار و معارف حج، ص ۱۴۷.

۸. اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۹.

۹. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۳۶؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۷۸.

۱۰. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۲۹.

۱۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۴؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۸.

۱۲. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۳؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۹.

۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۴.

۱. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۴۸۸.

۲. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۴۸۸؛ بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۳۳۷.

۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۹۷.

۴. صهبای حج، ص ۲۸۳-۲۸۴.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۱۸.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۵۸.

شرك آلود بود و به نظر برخی مفسران، آیه ۳۰ حج/۲۲ این کار را ممنوع شمرد: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾.

در اسلام نیز همچون شرایع الهی پیشین، احرام بستن برای انجام مناسک عمره و حج تشریح شد. پیامبر و پیروان ایشان برای انجام این اعمال نخست محرم می شدند. گزارش شده است که پیامبر گرامی ﷺ در سال ششم ق. در حدیبیه همراه گروهی از مسلمانان برای انجام عمره محرم شد؛ ولی با ممانعت مشرکان به این کار توفیق نیافت و با قربانی کردن شتران از احرام بیرون آمد.^۷ نیز ایشان در سال بعد، برای انجام عمره القضاء* از منطقه جُحْفَه محرم شد^۸ و در سال دهم ق. همراه همسران و بسیاری از مسلمانان با پوشیدن دو تکه لباس یمنی، از منطقه ذوالْحَلِيفَه محرم گشت.^۹

◀ **موارد وجوب احرام:** فقیهان امامی و اهل سنت با استناد به آیات قرآن و روایات، احرام را در چند مورد واجب شمرده اند:

▼ **۱. ادای حج و عمره:** به اتفاق فقیهان شیعه^{۱۰} و اهل سنت^{۱۱} احرام از ارکان و واجبات

حج مرسوم و گاه آمیخته با خرافات بوده است. بر پایه برخی گزارش ها، آنان هنگام احرام، به جای ورود از در خانه خود، با زدن نقب از پشت خانه به آن وارد می شدند؛ با این توجیه که در حال احرام شیوه لباس پوشیدن دگرگون می شود و روش ورود به خانه نیز باید تغییر یابد.^۱ آیه ۱۸۹ بقره/۲ آنان را از این کار منع کرد: ﴿لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾. آنان باور داشتند در جامه ای که با آن گناه کرده اند، نباید احرام بندند و طواف کنند.^۳ نیز بر این باور بودند که نخستین طواف را باید در لباس قبایل حمس* انجام داد. اگر این جامه را نمی یافتند، برهنه طواف می کردند. همچنین پس از طواف، جامه خود را دور انداخته، دیگر آن را نمی پوشیدند.^۴ اسلام این کار را نهی نمود و قرآن کریم در آیه ۲۸ اعراف/۷ آن را نوعی زشتکاری شمرد که خداوند به بشر فرمان نداده است: ﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً﴾. آیه ۳۱ اعراف/۷ به برگرفتن زینت و جامه در مساجد فرمان داده است: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾. تلبیه آنان نیز

۶. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۸؛ الدر المنثور، ج ۴، ص ۳۵۹.
 ۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۰۷.
 ۸. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۰۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۵۰-۴۵۱.
 ۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۹؛ البداية و النهاية، ج ۵، ص ۱۳۷.
 ۱۰. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۷۶؛ مجمع الفائده، ج ۶، ص ۱۷۵.
 ۱۱. المجموع، ج ۸، ص ۲۶۵؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۸۰.

۱. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۷.
 ۲. المیزان، ج ۲، ص ۵۷؛ الکاشف، ج ۱، ص ۲۹۵.
 ۳. التفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۱۰۶؛ المفضل، ج ۲، ص ۳۵۷.
 ۴. جامع البیان، ج ۲، ص ۴۰۱؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۷۵.
 ۵. مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۴۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۱۸۹.

حج و عمره و نخستین عمل آن دو به شمار می‌رود. به نظر برخی از فقیهان شیعه، عبور آگاهانه از میقات* بدون احرام، موجب بطلان حج است.^۱ به نظر بسیاری از فقیهان امامی^۲، در این حال، بازگشتن حج گزار به میقات و محرم شدن از آنجا واجب است؛ و گر نه حج او باطل خواهد بود. مستند این حکم، حدیث‌های دلالت‌گر بر وجوب احرام در میقات^۳ و نیز روایاتی^۴ هستند که بازگشت به میقات را واجب شمرده‌اند.^۵ به باور فقیهان امامی، در صورت ترک احرام به سبب جهل یا فراموشی نیز بازگشت به میقات واجب است، مگر آن که از این کار ناتوان باشد. در این صورت، حج گزار می‌تواند از همان جا که جهل یا فراموشی او از میان رفته، محرم شود.^۶ بیشتر فقیهان اهل سنت بر آنند که اگر حج گزار احرام را ترک کند، در هر حال باید به میقات بازگردد و اگر نتواند، واجب است قربانی کند.^۷ از مستندات این نظر، روایتی از

ابن عباس^۸ است که قربانی کردن را بر ترک کننده هر یک از واجبات حج لازم شمرده است.^۹

به باور بیشتر فقیهان امامی، اگر جهل یا فراموشی حج گزار تا پایان اعمال حج ادامه یابد، حج وی صحیح است، مشروط به آن که برای ادای حج قصد کرده باشد. سخن آنان بر این پایه استوار است که پیامبر گرامی ﷺ^{۱۰} و امامان علیهم‌السلام^{۱۱} تکلیف به طور مطلق یا تکلیف به ادای دیگر بار احرام را از عهده چنین افرادی برداشته‌اند.^{۱۲} برخی بر آنند که حج اینان صحیح نیست و باید قضای آن را به جا آورند.^{۱۳} (← حج، عمره)

۲.۷. ورود به حرم مکی: به باور برخی از فقیهان شیعه^{۱۴} و اهل سنت^{۱۵}، ورود به منطقه حرم مکی* بدون احرام جایز نیست. مستند این دیدگاه روایاتی است که حکمت و وجوب احرام را قداست حرم مکی دانسته^{۱۶} و نیز احادیثی که ورود بدون احرام به منطقه حرم را

۱. النهایه، ص ۲۷۲.

۲. النهایه، ص ۲۷۳؛ المعتمر، ج ۲، ص ۸۰۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۹۸.

۳. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۴۴؛ تهذیب، ج ۵، ص ۵۶.

۴. تهذیب، ج ۵، ص ۵۸.

۵. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۹۸؛ المعتمد، ج ۲، ص ۴۳۹، «کتاب الحج».

۶. المعتمر، ج ۲، ص ۸۰۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۰۰.

۷. المغنی، ج ۳، ص ۲۱۶-۲۱۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۷۴؛ البحر الرائق، ج ۳، ص ۸۵.

۸. سنن الدارقطنی، ج ۲، ص ۲۱۵؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۳۰.

۹. المغنی، ج ۳، ص ۲۱۷؛ منی المحتاج، ج ۱، ص ۴۷۴.

۱۰. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۵۹؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۷۳.

۱۱. تهذیب، ج ۵، ص ۶۰-۱۷۶.

۱۲. تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۶۸؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۰۰.

۱۳. تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۶۸؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۳۱؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۰۰.

۱۴. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۰۸؛ کشف الغطاء، ج ۴، ص ۵۳۴.

۱۵. المغنی، ج ۳، ص ۲۱۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۴.

۱۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۵.

حدیث‌هایی^{۱۰} نیز استدلال کرده‌اند.^{۱۱} در برابر، برخی از فقیهان اهل سنت ورود به مکه را بدون احرام جایز شمرده‌اند.^{۱۲} به رأی ابوحنیفه، کسی که منزل او پیش از میقات است، باید با احرام وارد مکه شود؛ ولی اگر منزل وی میان میقات و مکه است، احرام بر وی واجب نیست.^{۱۳} برخی فقیهان اهل سنت احرام برای ورود به مکه را مستحب شمرده‌اند.^{۱۴}

در پاره‌ای موارد، وجوب احرام برای ورود به مکه استثنا شده است؛ از جمله: أ. کسانی که پیاپی وارد مکه می‌شوند؛ مانند بازرگانان یا آنان که ارزاق و سوخت ساکنان مکه را فراهم می‌سازند.^{۱۵} برخی از شافعیان بر آنند که اینان در سال باید یک بار محرم شوند.^{۱۶} مستند این استثنا، روایات^{۱۷} و نیز دشواری ورود با احرام برای این گونه اشخاص است.^{۱۸} ب. بیماران؛ به استناد حدیث‌های خاص.^{۱۹} در برابر، روایاتی در

روا نشمرده است.^۱ برخی از فقیهان شیعه^۲ و اهل سنت^۳ بر آنند که اگر کسی قصد ادای حج یا عمره نداشته باشد، می‌تواند بدون احرام به حرم پای نهد. به باور اینان، مقصود از حرم در آن حدیث‌ها، شهر مکه است.^۴ برخی از فقیهان اهل سنت به سیره ابن عمر در ورود بدون احرام به منطقه حرم، استناد نموده و ضرورت احرام برای ورود به حرم را بی دلیل دانسته‌اند.^۵

۳.۳. ورود به مکه: به باور فقیهان امامی^۶ و بسیاری از فقیهان اهل سنت^۷ کسی که قصد ورود به مکه را دارد، باید با احرام در آن پای نهد، هر چند در سال دو یا سه بار وارد شود.^۸ برخی مفسران و فقیهان، ورود به مکه بدون احرام را از مصادیق الحاد و ظلم در آیه ۲۵ حج/۲۲ به شمار آورده‌اند: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يُظَلِّمِ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ ایشان در این زمینه به

۱۰. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۷۹؛ تهذیب، ج ۵، ص ۱۶۵.
 ۱۱. الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۲۳.
 ۱۲. الخلاف، ج ۲، ص ۲۷۶-۳۷۷؛ فتح العزيز، ج ۷، ص ۲۷۶؛ المعنى، ج ۳، ص ۲۱۷.
 ۱۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۶۸؛ فتح العزيز، ج ۷، ص ۲۷۸.
 ۱۴. الخلاف، ج ۲، ص ۳۷۷؛ فتح العزيز، ج ۷، ص ۲۷۶.
 ۱۵. الخلاف، ج ۲، ص ۳۷۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۱؛ جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۴۴۸.
 ۱۶. الخلاف، ج ۲، ص ۳۷۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۲.
 ۱۷. تهذیب، ج ۵، ص ۱۶۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۰۷.
 ۱۸. تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۰۶؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۲۵.
 ۱۹. تهذیب، ج ۵، ص ۱۶۵.

۱. تهذیب، ج ۵، ص ۱۶۵؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۰۴.
 ۲. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۳۴؛ جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۴۳۸؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۴۷.
 ۳. المعنى، ج ۳، ص ۲۱۷.
 ۴. مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۱۶۵؛ موسوعة الفقه الاسلامی، ج ۶، ص ۳۳۲.
 ۵. المعنى، ج ۳، ص ۲۱۹.
 ۶. الخلاف، ج ۲، ص ۳۷۶؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۷؛ مسالك الافهام، ج ۲، ص ۲۶۹.
 ۷. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۶۴؛ المعنى، ج ۳، ص ۲۱۹.
 ۸. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۴۳۷.
 ۹. فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۱۹؛ زبدة البیان، ص ۲۲۳.

منابع امامی گزارش شده که ورود بیماران را با احرام واجب شمرده است.^۱ پیروان رأی مشهور، این حدیث‌ها را دلالت‌گر بر استحباب احرام می‌دانند.^۲ ج. کسی که برای نبردی مشروع قصد ورود به مکه دارد.^۳ پستوانه این حکم، سیره پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و اصحاب ایشان است.^۴ برخی در استناد به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله مناقشه کرده‌اند.^۵ د. کسی که از احرام پیشین او بیش از یک ماه نگذشته باشد. به باور فقیهان امامی، به استناد روایاتی^۶ این فرد می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود؛^۷ خواه احرام پیشین برای عمره مفرده بوده باشد یا عمره تمتع و یا حج.^۸ برخی فقیهان سرآغاز محاسبه این زمان را هنگام احرام و برخی زمان تحلل دانسته‌اند.^۹ ه. بردگان؛ از آن رو که اگر مالک اجازه حج گزاردن به برده ندهد، حج بر او واجب نمی‌شود.^{۱۰} برخی از

فقیهان اهل سنت، در صورت اجازه مالک، احرام برای ورود را بر برده واجب شمرده‌اند.^{۱۱} و. کسی که از بیم ظالم یا جنگ به مکه پناه آورد.^{۱۲}؛ به استناد سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه^{۱۳} و نیز آیه ۱۸۶ بقره/۲: ﴿فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾. (← احصار و صد)

◀ زمان و مکان احرام

▼ ۱. زمان احرام: در هر یک از گونه‌های احرام در حج و عمره، زمانی خاص مقرر شده است:

◀ ۱. احرام عمره مفرده: در عمره مفرده^{*} واجب، احرام باید در زمان به جا آوردن عمره صورت گیرد.^{۱۴} اما احرام عمره مستحب، وقت خاص ندارد و در هر زمان، جز فاصله میان عمره تمتع و حج تمتع به نظر فقیهان امامی^{۱۵}، می‌توان آن را انجام داد.^{۱۶} برخی از فقیهان اهل سنت انجام دادن آن را از روز عرفه تا پایان ایام تشریق مکروه شمرده‌اند.^{۱۷} (← عمره مفرده)

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۰۵.
 ۲. الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۲۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۰۵.
 ۳. المغنی، ج ۳، ص ۲۱۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۰۶.
 ۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۱۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۰۶؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۸۷.
 ۵. کتاب الحج، گلیایگانی، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۵۷.
 ۶. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۰۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۹۱.
 ۷. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۲۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۴۸.
 ۸. مستمسک العروه، ج ۱۱، ص ۲۱۹؛ معتمد العروه الوثقی، ج ۲، ص ۲۸۳-۲۸۴.
 ۹. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۷۱؛ مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۳۹۳.
 ۱۰. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۹۸؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۵۰.

۱۱. المجموع، ج ۷، ص ۱۲-۱۳.
 ۱۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۱۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۰۶.
 ۱۳. السنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۷۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۰.
 ۱۴. الام، ج ۲، ص ۱۵۵.
 ۱۵. الدرر، ج ۱، ص ۳۳۷؛ مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۳۹۲.
 ۱۶. المعتمد، ج ۲، ص ۱۷۰؛ «کتاب الحج»؛ مناسک الحج، سیستانی، ص ۶۳.
 ۱۷. الام، ج ۲، ص ۱۵۷؛ الخلاف، ج ۲، ص ۲۶۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۴۷-۱۴۸.
 ۱۸. الميسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۷۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۴۸؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۳۱.

ماه‌های حج انجام شود. مستند این حکم، آیه ۱۹۳ بقره ۲/ که برای اعمال حج، ماه‌هایی ویژه را برنهاد: ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ﴾ و نیز برخی روایات^{۱۱} است.^{۱۲} بهترین زمان احرام، روز ترویبه^{۱۳} پیش از نماز ظهر^{۱۴} یا پس از نماز ظهر و عصر است.^{۱۵} مستند این سخن، سیره پیامبر گرامی^{۱۶} و نیز روایات^{۱۷} است. به نظر برخی از اهل سنت، احرام حج هر قدر پیش از روز ترویبه انجام شود، بهتر است.^{۱۸} به باور مالک بن انس، احرام بستن در آغاز ذی‌حجه استحباب دارد.^{۱۹} اندکی از فقیهان امامی، احرام در روز ترویبه را واجب شمرده‌اند.^{۲۰} از دید فقیهان شیعه و برخی از فقیهان اهل سنت، در صورت احرام بستن پیش از ماه‌های حج، این احرام به احرام عمره بدل می‌شود.^{۲۱} ابوحنیفه، احمد بن حنبل و بعضی از دیگر

ب. احرام عمره تمتع: به اتفاق فقیهان امامی^۱ و بیشتر فقیهان اهل سنت^۲، زمان احرام عمره تمتع^۳ ماه‌های حج (شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه) است که تا وقت امکان انجام اعمال عمره پیش از نیمروز عرفه، ادامه دارد.^۴ از این رو، در صورت احرام بستن پیش از ماه‌های حج، عمره تمتع صحیح نیست.^۵ فقیهان امامی درباره تبدیل چنین عمره‌ای به عمره مفرده، اختلاف نظر دارند.^۶ برخی از فقیهان اهل سنت برآنند که اگر احرام عمره تمتع پیش از ماه‌های حج بسته شود و اعمال دیگر آن در ماه‌های حج انجام گردد، این عمره صحیح است.^۷ بهترین زمان برای احرام عمره تمتع، پس از خواندن نماز ظهر است.^۸ (← عمره)

گ. احرام حج: به نظر فقیهان شیعه^۹ و برخی از فقیهان اهل سنت^{۱۰}، احرام حج باید در

۱۰. الانتصار، ص ۲۳۶-۲۳۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۴۰.
 ۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۹.
 ۱۲. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۱۸۶؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۳۵۲-۳۵۳.
 ۱۳. المقنعه، ص ۴۰۷-۴۰۸؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۵۰؛ الدرر، ج ۱، ص ۴۱۵.
 ۱۴. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۱۴؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۳.
 ۱۵. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۲۴.
 ۱۶. تهذیب، ج ۵، ص ۷۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۸۹.
 ۱۷. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۵۰.
 ۱۸. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۰۱؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۱۵۹.
 ۱۹. الدرر، ج ۱، ص ۴۱۵؛ ذخيرة المعاد، ج ۱، ص ۶۵۰.
 ۲۰. الخلاف، ج ۲، ص ۲۵۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۴۱؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۶۵.

۱. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۱۰؛ المعتمد، ج ۲، ص ۲۴۲. «کتاب الحج».
 ۲. فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۳۶؛ الشرح الكبير، ج ۳، ص ۲۳۴؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۸۷.
 ۳. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۱۰؛ المعتمد، ج ۲، ص ۲۴۲. «کتاب الحج»؛ کتاب الحج، گلپایگانی، ج ۱، ص ۶۲.
 ۴. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۱۰؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۱۲.
 ۵. الخلاف، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۱۳.
 ۶. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۲۸۳.
 ۷. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۹۰-۱۹۴.
 ۸. الخلاف، ج ۲، ص ۲۵۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۲۳.
 ۹. الخلاف، ج ۲، ص ۲۵۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۴۰.

فقیهان اهل سنت احرام حج پیش از ماه‌های حج را مکروه شمرده‌اند.^۱ به باور آنان، احرام، شرط حج است نه رکن آن؛ پس احرام بستن پیش از ماه‌های حج جایز است.^۲ (← حج)

▼ **۲. مکان احرام:** احرام حج و عمره باید در مکان‌هایی ویژه صورت گیرد که به آن‌ها می‌گویند.^۳ این مکان‌ها، با توجه به نوع مناسک (عمره مفرده، عمره تمتع یا حج) و نیز موطن حج گزار و مسیر حرکت او به سوی حرم و کعبه، تفاوت دارند. (← میقات) به نظر فقیهان امامی^۴ و برخی از فقیهان اهل سنت^۵، پیش از میقات نمی‌توان محرم شد. مستند این حکم، اجماع، سیره پیامبر ﷺ و حدیث‌های امامان شیعه^۶ است.^۷ بیشتر فقیهان اهل سنت محرم شدن پیش از میقات را جایز و حتی بهتر دانسته‌اند.^۸ از مستندات این نظر آیه ۱۹۶ بقره ۲/ است: «وَأَيُّسُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ» که اتمام حج و عمره در آن، به محرم

شدن حج گزار از منزل خود تفسیر شده است.^۹ مستندهای دیگر این حکم، حدیث پیامبر ﷺ^{۱۰} که احرام بستن از بیت المقدس به قصد عمره و حج را دارای ثواب بسیار دانسته و نیز سیره برخی صحابه است.^{۱۱} شماری از دیگر فقیهان اهل سنت این ادله را نپذیرفته‌اند.^{۱۲} آنان که احرام پیش از میقات را روا نمی‌دانند، دو مورد را استثنا کرده‌اند: ا. نذر کردن برای احرام پیش از میقات. نظر مشهور فقیهان امامی^{۱۳} و برخی از فقیهان اهل سنت^{۱۴} به استناد روایاتی^{۱۵}، وجوب احرام پیش از میقات، در صورت نذر کردن به انجام آن است. برخی از فقیهان بر آنند که چنین نذری منعقد نمی‌گردد.^{۱۶} ب. احرام در عمره رجبیه در صورت بیم از سپری شدن زمان عمره.^{۱۷} مستند این حکم، اجماع و حدیث‌های اهل بیت ﷺ^{۱۸} است.^{۱۹}

◀ **واجبات احرام:** واجبات احرام که

۹. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۶۷؛ الشرح الكبير، ج ۳، ص ۲۲۲.
۱۰. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۳۹۲؛ سنن الدارقطنی، ج ۲، ص ۲۴۹.
۱۱. سبل السلام، ج ۲، ص ۱۸۹.
۱۲. کشف القناع، ج ۲، ص ۴۶۹.
۱۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۱؛ مختلف الشیعه، ج ۸، ص ۱۹۳.
۱۴. المجموع، ج ۷، ص ۲۰۸.
۱۵. تهذیب، ج ۸، ص ۳۱۰؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۱۹.
۱۶. السرائر، ج ۳، ص ۶۳؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۴۶۱.
۱۷. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۹۵؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۶۹.
۱۸. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۰۷؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۱۸.
۱۹. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۶۱.

۱. الخلاف، ج ۲، ص ۲۵۹؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۷۵؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۲۴.
۲. البحر الرائق، ج ۲، ص ۶۴۷.
۳. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۶۰؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۲۷.
۴. النهایه، ج ۲، ص ۲۰۹؛ الخلاف، ج ۲، ص ۲۸۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۱.
۵. المجموع، ج ۷، ص ۲۰۰.
۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۲؛ تهذیب، ج ۵، ص ۵۲.
۷. الخلاف، ج ۲، ص ۲۸۶، ۳۷۴؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۹۵.
۸. المغنی، ج ۳، ص ۲۱۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۰۰؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۲۵.

بدون نیت محرم شود، احرامش باطل است؛ خواه به عمد صورت گیرد و خواه از روی اشتباه یا جهل. برخی از فقیهان اهل سنت گفته‌اند که احرام بدون نیت و تنها با تلبیه منعقد می‌شود.^{۱۳}

به نظر برخی فقیهان شیعه، نیت احرام باید هم‌زمان با آغاز احرام باشد و گرنه صحیح نیست.^{۱۴} شماری دیگر بر آنند که نیت فوت شده را تا هنگام تحلل می‌توان جبران کرد.^{۱۵} به باور برخی فقیهان، اگر محرم جنس و نوع عمره و حج را معین نکند، احرامش باطل است؛^{۱۶} ولی برخی بر آنند که اگر عملی خاص را قصد نکند، احرام او صحیح است و اگر در ماه‌های حج قصد کرده باشد، میان قصد عمره یا حج مخیر است؛ ولی اگر در ماه‌های حج قصد نکرده باشد، احرامش خاص عمره خواهد بود.^{۱۷} فقیهان اهل سنت نیز چنین احرامی را صحیح می‌دانند و بر این باورند که فرد پس از بستن احرام می‌تواند نوع حج یا

۱۳. روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۳۴؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۲؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۷۸.
 ۱۴. المعتمر، ج ۲، ص ۷۸۱؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۲۶۵.
 ۱۵. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۰۷؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۲۶۵-۲۶۶.
 ۱۶. ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۲۸۶؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۶۵؛ موسوعة الفقه الاسلامی، ج ۶، ص ۳۲۱.
 ۱۷. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۶؛ المهذب، ج ۱، ص ۲۱۹؛ الوسیله، ص ۱۶۱.

گروهی آن‌ها را ارکان احرام می‌شمرند، عبارتند از:

۱. **نیت:** از جمله واجبات احرام به باور فقیهان شیعه^۱ و بیشتر فقیهان اهل سنت^۲ نیت است. مستند این حکم، آیه ۵ یینه/۹۸ است:^۳ ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ و نیز حدیث‌هایی^۴ که هر عملی را در گرو نیت آن دانسته‌اند.^۵ در نیت افزون بر قصد قربت، باید جنس آن یعنی حج یا عمره بودن؛^۶ نوع آن یعنی تمتع، قران یا افراد بودن؛ و وصف آن یعنی واجب یا مستحب بودنش تعیین شود.^۷ به نظر برخی، محرم هنگام نیت باید قصد ترک محرمات احرام را نیز داشته باشد.^۸ بر این اساس، فقیهان امامی^۹ و برخی از فقیهان اهل سنت^{۱۰} به استناد روایاتی^{۱۱} بر آنند که اگر کسی

۱. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۴۹.
 ۲. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۰؛ کشف الرموز، ج ۱، ص ۳۴۷.
 ۳. المغنی، ج ۲، ص ۲۴۰؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۳۴.
 ۴. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۲؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۷۶.
 ۵. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲؛ تهذیب، ج ۱، ص ۸۳.
 ۶. المجموع، ج ۷، ص ۲۲۳؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۲؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۳۰.
 ۷. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۰؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۳۴؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۷۴-۶۷۵.
 ۸. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۰؛ کشف الرموز، ج ۱، ص ۳۴۷.
 ۹. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰؛ مستمسک العروه، ج ۱۱، ص ۳۶۳؛ فقه الصادق، ج ۱۰، ص ۲۱۹.
 ۱۰. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۵۹؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۲۵۵.
 ۱۱. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۷۸؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۴.
 ۱۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۵؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲؛ الکافی، ج ۴، ص ۵۴۱.

عمره را مشخص کند.^۱ البته در غیر ماه‌های حج، قصد حج صحیح نیست.^۲ برخی از آنان حتی معین نکردن نوع حج و عمره را بهتر دانسته‌اند.^۳ مستند این دیدگاه، سیره پیامبر ﷺ است^۴ که بدون قصد حج و عمره محرم شد و برای تعیین نوع آن در انتظار وحی الهی ماند.^۵ احرامی به همین گونه از حضرت علی رضی الله عنه در پی بازگشت از یمن گزارش شده است.^۶

۲. پوشیدن لباس احرام: به باور فقیهان امامی، مرد احرام گزار باید پس از برکندن لباس‌های دوخته شده خود، دو قطعه لباس احرام^۷ (یکی به صورت لُنگ و دیگری ردا) بپوشد.^۸ (تصویر شماره ۱۷) فقیهان اهل سنت پوشیدن نعلین را نیز لازم شمرده‌اند.^۹ مستند حکم لباس احرام، حدیث‌هایی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام^{۱۱} است.^{۱۲} به نظر

فقیهان شیعه و اهل سنت، پوشیدن لباس دوخته نشده بر زنان واجب نیست^{۱۳}؛ هر چند برخی بر آنند که لباس دوخته شده برای زنان نیز ممنوع است.^{۱۴} به باور بیشتر فقیهان امامی، پوشیدن لباس دوخته نشده شرط صحّت احرام نیست و احرام در لباس دوخته شده نیز صحیح است؛ اما بیرون آوردن لباس دوخته شده، پس از احرام واجب است.^{۱۵} برخی از فقیهان احرام مرد بدون پوشیدن لباس خاص را باطل شمرده‌اند.^{۱۶} درباره این که پوشیدن لباس احرام باید پیش یا پس از نیت باشد، دیدگاه فقیهان متفاوت است. بیشتر ایشان بر آنند که پوشیدن لباس احرام باید پیش از نیت باشد^{۱۷}، بدین استناد که محرم پس از بستن احرام، نباید لباس دوخته بر تن داشته باشد.^{۱۸} برخی تنها هنگام تلبیه، بر تن داشتن لباس احرام را واجب می‌دانند.^{۱۹} احکامی از جهت طهارت و نجاست، جنس و رنگ، و جنبه‌های دیگر نیز برای لباس احرام مقرر شده که رعایت آن‌ها

۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۰۰؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۶۳.
 ۲. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۰۰.
 ۳. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۹.
 ۴. السنن الکبری، ج ۵، ص ۵؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۴۸-۲۴۹.
 ۵. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۰۲؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۳.
 ۶. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۳؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۷۵.
 ۷. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۱؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۸.
 ۸. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۱۹؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۸۱.
 ۹. المغنی، ج ۳، ص ۲۲۶؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۱۴.
 ۱۰. مسند احمد، ج ۲، ص ۳۴.
 ۱۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۷؛ تهذیب، ج ۵، ص ۱۶۸.
 ۱۲. المجموع، ج ۷، ص ۲۱۴؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۴۱؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۷۵.

۱۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۰۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۴۵؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۴.
 ۱۴. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۶۱؛ مناسک الحج، گلپایگانی، ص ۷۷.
 ۱۵. السدروس، ج ۱، ص ۳۴۵؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۷۶؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۳۸.
 ۱۶. نک: کشف اللثام، ج ۵، ص ۲۷۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۳۴.
 ۱۷. الحدائق، ج ۱۵، ص ۷۶؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۸۹.
 ۱۸. ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۸۰؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۲۹۲.
 ۱۹. مستمسک العروه، ج ۱۱، ص ۴۳۰-۴۳۱.

«أ. بلند نگه داشتن موی سر: دیدگاه مشهور فقیهان امامی، به استناد روایات^۷، استحباب کوتاه نکردن موی سر از یک ماه پیش از مناسک عمره است.^۸ در حج نیز مستحب است که از آغاز ماه ذی قعدة موی سر کوتاه نشود.^۹ برخی رها کردن موی ریش را نیز مستحب دانسته‌اند.^{۱۰} برخی فقیهان با استناد به حدیث‌هایی که زدودن مو را در ماه‌های اول حج مشمول کفاره دانسته^{۱۱}، نگه داشتن موها را واجب دانسته‌اند.^{۱۲} منتقدان این نظر، با مناقشه در سند این روایت‌ها، آن‌ها را دربارہ کوتاه کردن مو پس از احرام دانسته‌اند.^{۱۳}

«ب. نظافت کردن بدن: به نظر فقیهان امامی^{۱۴} و اهل سنت^{۱۵} به استناد سیره نبوی و روایات^{۱۶}، مستحب است حج گزار با زدودن غبار و آلودگی بدن، زدودن موهای زاید و

بر احرام گزار واجب یا مستحب است. (← لباس احرام*)

▼ ۳. تلبیه (لیک گفتن): به باور فقیهان امامی^۱ و برخی از فقیهان اهل سنت^۲ از دیگر واجبات احرام، تلبیه است. بعضی از فقیهان اهل سنت، به ویژه شافعیان و حنبلیان، بر آنند که احرام تنها با نیت و بدون نیاز به تلبیه، منعقد می‌گردد^۳ و شماری از آنان تلبیه را مستحب شمرده‌اند.^۴ به نظر فقیهان امامی، در حج قران، احرام گزار می‌تواند به جای تلبیه، اشعار یا تقلید کند.^۵ (← اشعار و تقلید) تلبیه شخص گنگ، با حرکت دادن زبان و اشاره انگشت صورت می‌گیرد.^۶ (← تلبیه)

«مستحبات احرام: کارهای بسیاری برای احرام مستحب شمرده شده که برخی به پیش از احرام بازمی‌گردد و برخی هم‌زمان با آن است:

▼ ۱. مستحبات پیش از احرام: مهم‌ترین کارهای مستحب پیش از احرام عبارتند از:

۷. الکافی، ج ۴، ص ۴۴۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۱.
۸. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۶۶؛ سلسله الینایع، ج ۸، ص ۶۹۹.
۹. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۷۰؛ سلسله الینایع، ج ۷، ص ۲۲۷.
۱۰. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۷۱؛ المعتمد، ج ۵، ص ۴۶۴؛ «کتاب الحج».
۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۴۴۱؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۹.
۱۲. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۲؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۲۸.
۱۳. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۲؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۶.
۱۴. کشف اللثام، ج ۵، ص ۲۴۶؛ المعتمد، ج ۵، ص ۴۶۴؛ «کتاب الحج».
۱۵. المغنی، ج ۳، ص ۲۲۶؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۸۸.
۱۶. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۶۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۲۲-۳۲۳.

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۶؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۶۳.
۲. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۷۰؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۴۸؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۸۱.
۳. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۰۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۵۴؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۸۱-۲۱۸۲.
۴. الخلاف، ج ۲، ص ۲۹۲؛ الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۲۵۶؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۶۵.
۵. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۷؛ مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۰۹.
۶. کشف اللثام، ج ۵، ص ۲۶۹؛ مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۱۴.

کوتاه کردن سیل و ناخن^۱ پیش از احرام و هنگام رسیدن به میقات، به پاکسازی بدن خود پردازد.

◀ ج. غسل: فقیهان اهل سنت و بیشتر فقیهان امامی با استناد به حدیث‌هایی از پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام غسل را پیش از احرام مستحب شمرده‌اند.^۲ در استحباب غسل تفاوتی میان برده و غیر برده، بالغ و نابالغ و مرد و زن نیست.^۳ برخی تأخیر احرام حائض و نفساء را تا زمان پاک شدن از ناپاکی و انجام غسل بهتر دانسته‌اند.^۴ در برابر، اندکی از فقیهان امامی غسل احرام را واجب شمرده‌اند.^۵ برخی از فقیهان بر آنند که اگر غسل ممکن نباشد، تیمم به جای آن مستحب است.^۶

مکان غسل احرام، میقات است؛ ولی در موارد عذر و ترس از نیافتن آب، غسل کردن پیش از میقات جایز شمرده شده است.^۷ برخی

فقیهان^۱ به پشتوانه بعضی از روایات^{۱۱} در صورت برطرف شدن این عذر، انجام دیگر بار غسل را در میقات سفارش کرده‌اند. غسل در آغاز روز برای همه آن روز؛ و در پایان شب برای همه آن شب کافی است. در صورت خوابیدن احرام گزار یا خوردن چیزی که بر محرم حرام است، انجام دیگر بار آن مستحب به شمار می‌رود.^{۱۲} به نظر برخی از فقیهان امامی، باز گزاردن غسل پس از ارتکاب هر یک از محرمات احرام، مستحب است.^{۱۳} در صورت محرم شدن بدون غسل، انجام دیگر بار احرام همراه با غسل استحباب دارد.^{۱۴} خواندن دعایی ویژه هنگام غسل یا پس از آن سفارش شده است.^{۱۵}

◀ ۵. احرام پس از نماز: به نظر برخی فقیهان اهل سنت^{۱۶} و در باور مشهور فقیهان امامی^{۱۷} مستحب است احرام بستن پس از نماز واجب یا مستحب صورت پذیرد. اندکی از فقیهان با استناد به برخی روایات^{۱۸}، این کار را

۱. المغنی، ج ۳، ص ۲۲۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۲۰.
 ۲. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۶۳؛ السنن الكبرى، ج ۵، ص ۳۳.
 ۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۸؛ تهذیب، ج ۵، ص ۶۲.
 ۴. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۱؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۸۸-۲۱۸۹.
 ۵. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۶۶-۵۶۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۱.
 ۶. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۳.
 ۷. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۵۱؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۱.
 ۸. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۴۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۴.
 ۹. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۸؛ تهذیب، ج ۵، ص ۶۳.

۱۰. السرائر، ج ۱، ص ۵۳۰؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۶۷.
 ۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۷-۳۲۹؛ تهذیب، ج ۵، ص ۷۱.
 ۱۲. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۴-۲۲۵؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۴۳.
 ۱۳. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۷۹؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۵۳.
 ۱۴. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۵؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۲۲۸.
 ۱۵. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۷۳؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۵۳.
 ۱۶. المغنی، ج ۳، ص ۲۲۹؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۹۰.
 ۱۷. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۵۴؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۲۵۲.
 ۱۸. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۴؛ تهذیب، ج ۵، ص ۱۶۸.

به نظر برخی از فقیهان اهل سنت، از دیگر مستحبات پیش از احرام، خوشبو کردن بدن است؛ خواه احرام گزار زن باشد و خواه مرد. نیز تفاوت ندارد که اثر این بوی خوش تا هنگام احرام بماند یا از میان برود.^{۱۱} برخی از آنان این کار را تنها برای مردان مستحب شمرده‌اند.^{۱۲} مستند این حکم حدیث‌هایی از عایشه است^{۱۳} که رسول خدا ﷺ هنگام احرام خود را خوشبو می‌کرد.^{۱۴} برخی از فقیهان اهل سنت، از جمله مالک بن انس، به استناد حدیثی از پیامبر ﷺ^{۱۵} این کار را مکروه شمرده‌اند.^{۱۶} فقیهان امامی خوشبو کردن خود را در صورت باقی ماندن اثر عطر تا هنگام احرام، حرام دانسته‌اند.^{۱۷} مستند آنان، افزون بر اجماع فقیهان بر حرمت کاربرد بوی خوش بر محرم، حدیث‌های پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام^{۱۸} است که استفاده از بوی خوش را هنگام احرام ممنوع شمرده‌اند.^{۱۹} برخی از فقیهان اهل سنت خضاب کردن دست‌ها تا میچ و نیز مالیدن حنا به صورت را به استناد روایتی از ابن

واجب شمرده‌اند.^۱ مخالفان این دیدگاه، آن حدیث‌ها را دارای معنای استحباب دانسته‌اند.^۲ به باور فقیهان امامی^۳ و برخی از فقیهان اهل سنت^۴، احرام پس از نماز واجب بهتر است و فقیهان امامی احرام پس از نماز ظهر یا پس از نماز ظهر و عصر را برترین حالت شمرده‌اند.^۵ اگر احرام در زمان نماز فریضه نباشد، خواندن شش رکعت نماز نافله احرام و در صورت ممکن نبودن این کار، خواندن چهار یا دو رکعت نماز سفارش شده است.^۶ فقیهان اهل سنت به استناد حدیث‌هایی از پیامبر ﷺ^۷ گزاردن دو رکعت نماز را پیش از احرام مستحب شمرده‌اند.^۸ به نظر بیشتر فقیهان امامی، در رکعت اول نماز احرام، پس از قرائت حمد، خواندن سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون مستحب است.^۹ برخی از فقیهان امامی و اهل سنت، عکس این ترتیب را باور دارند.^{۱۰}

۱. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷۴؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۵۴.

۲. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۵۴.

۳. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۰؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷۴.

۴. المعنی، ج ۳، ص ۲۲۹؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۳.

۵. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۶؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷۴.

۶. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۰؛ ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۲۸۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۹۰.

۷. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۶۰؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۳۹۷.

۸. المعنی، ج ۳، ص ۲۲۹؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۹۰.

۹. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۰؛ جامع المدارک، ج ۲، ص ۳۷۶.

۱۰. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۵؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۴۳؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۹۰.

۱۱. کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۱؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۸۹.

۱۲. روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۴۸.

۱۳. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۴۵؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰.

۱۴. المعنی، ج ۳، ص ۲۲۷؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۱۸۹.

۱۵. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۴۴؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۴.

۱۶. المعنی، ج ۳، ص ۲۲۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۲۲.

۱۷. الخلاف، ج ۲، ص ۲۸۷؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۸۷.

۱۸. مسند احمد، ج ۴، ص ۲۲۴؛ الکافی، ج ۴، ص ۳۴۳؛ تهذیب، ج ۵، ص ۶۹.

۱۹. الخلاف، ج ۲، ص ۲۸۸؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۷۳.

عمر و بر پایه قیاس با معطر کردن بدن^۱ برای احرام گزار مستحب شمرده‌اند.^۲

▼ ۲. مستحبات هم‌زمان با احرام: از هنگام احرام تا پایان آن نیز برخی کارها مستحب شمرده شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

◀ ا. شرط کردن احرام گزار با خداوند (اشترط): به باور فقیهان شیعه^۳ و شافعی و حنبلی^۴ مستحب است احرام گزار هنگام احرام با خداوند شرط کند که اگر هنگام حج گزاری مانعی برایش پیش آید، حج را به عمره بدل کند یا از احرام خارج شود. مستند این حکم، حدیث‌هایی از پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام است که به این کار سفارش کرده‌اند.^۵ ثمره این کار، خروج از احرام هنگام بروز مانع، ساقط شدن قربانی^۶ و حتی به نظر برخی، ساقط شدن قضای حج در سال بعد و دست کم بهره‌مندی آن فرد از پاداش الهی است.^۷ برخی از فقیهان

امامی به استناد فرمان عام آیه ۱۹۷ بقره/ که قربانی را بر همگان واجب کرده و نیز بر پایه اصل احتیاط، قربانی کردن را همچنان لازم می‌شمرند.^۸ به نظر شماری دیگر، قربانی تنها از عهده کسی که آن را همراه ندارد، ساقط می‌شود.^۹ بسیاری از فقیهان امامی به استناد روایات^{۱۰}، قضای حج را در این صورت ساقط نمی‌دانند.^{۱۱} به تصریح برخی از فقیهان امامی^{۱۲} و اهل سنت^{۱۳} اشترط قلبی با خداوند کافی نیست و بر زبان آوردن آن نیز لازم است؛ ولی برخی نیت قلبی را کافی دانسته‌اند.^{۱۴} برخی از فقیهان اهل سنت صحت اشترط و آثار فقهی آن را باور ندارند.^{۱۵}

◀ ب. بر زبان آوردن نیت احرام: فقیهان امامی^{۱۶} بر پایه روایات^{۱۷} و نیز برخی از فقیهان اهل سنت^{۱۸} بر زبان آوردن نیت احرام را

۱۰. الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۱؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۶۵-۶۶.
 ۱۱. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۹۰؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۳.
 ۱۲. تهذیب، ج ۵، ص ۸۱.
 ۱۳. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۶۰؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۲۸۷.
 ۱۴. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۷۲-۵۷۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۸۱.
 ۱۵. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۶؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۵؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۸۷.
 ۱۶. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۶.
 ۱۷. الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۱؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۴۴.
 ۱۸. الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۹؛ مستمسک العروه، ج ۱۱، ص ۳۷۵.
 ۱۹. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۰.
 ۲۰. اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۲۴.

۱. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۱۹؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۲.
 ۲. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۱۹؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۴۸.
 ۳. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۷۲؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۰.
 ۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۴.
 ۵. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۲۳؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۴.
 ۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵۴.
 ۷. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۴.
 ۸. الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۰-۴۳۱؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۴۳.
 ۹. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۸۷؛ العروه الوثقی، ج ۴، ص ۶۶۲.

صدای بلند مأمور شده‌اند^{۱۰} و حجی که تلبیه احرامش چنین باشد، برترین حج شمرده شده است.^{۱۱}

❧ **ه. تکرار تلبیه:** به باور فقیهان شیعه و اهل سنت، تکرار فراوان تلبیه در همه حالات، از جمله هنگام بالا رفتن از بلندی یا فرود آمدن از آن، پس از هر نماز، هنگام سحر، در صورت تغییر حالت مانند بیدار شدن از خواب، و نیز در دیدار با آشنایان و همراهان مستحب است.^{۱۲} مالک بن انس استحباب در مورد اخیر را باور ندارد.^{۱۳} مستند این حکم، حدیث‌های پیامبر ﷺ^{۱۴}

و امامان علیهم‌السلام^{۱۵} است. به نظر فقیهان امامی، کسی که بیرون از مکه برای عمره محرم شده، تا هنگام مشاهده خانه‌های مکه، تکرار تلبیه برایش مستحب است.^{۱۶} فقیهان اهل سنت نهایت زمان آن را هنگام ورود به حرم یا مشاهده کعبه یا آغاز طواف دانسته‌اند.^{۱۷} درباره زمان قطع تلبیه در حج تمتع نیز دیدگاه‌هایی گوناگون در مذاهب فقهی

۱۰. مسند احمد، ج ۴، ص ۵۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۷۷.
 ۱۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۷۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۷۵.
 ۱۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۵۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۷۳.
 ۱۳. المغنی، ج ۳، ص ۲۵۹.
 ۱۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۵۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۵.
 ۱۵. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۶؛ تهذیب، ج ۵، ص ۹۱.
 ۱۶. الخلاف، ج ۲، ص ۲۹۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۴.
 ۱۷. الام، ج ۷، ص ۲۶۹؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۳۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۴۱۸؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۸۱.

مستحب شمرده‌اند. شماری از فقیهان اهل سنت تلفظ را جایز یا مکروه دانسته و حتی برخی بر زبان جاری نکردن آن را مستحب قلمداد کرده‌اند^۱، بدین استدلال که نیت از عبادات قلبی است و پنهان ماندنش بهتر است.^۲

❧ **ج. پوشیدن لباس سفید و پنبه‌ای:** به باور فقیهان امامی، پوشیدن لباس پنبه‌ای و سفید برای احرام گزار مستحب است.^۳ به نظر برخی فقیهان اهل سنت، مستحب است لباس احرام سفید و نو و دست کم نظیف و پاکیزه باشد.^۴

❧ **د. آشکار و بلند بودن تلبیه:** بیشتر فقیهان امامی به استناد روایات^۵، جهر یا آشکار بودن تلبیه را برای مردان مستحب شمرده‌اند.^۶ برخی دیگر با استناد به تعابیر حدیث‌ها^۷ این کار را واجب دانسته‌اند.^۸ به نظر فقیهان شیعه و اهل سنت، بلند بودن تلبیه در آغاز احرام و نیز پس از آن، برای مردان مستحب است^۹؛ زیرا در برخی حدیث‌های نبوی، مسلمانان به تلبیه با

۱. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۵۵؛ حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۵۵.
 ۲. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۷۸.
 ۳. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۹؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۸۲.
 ۴. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۵۶؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۴۹.
 ۵. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۶، ۴۵۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۵.
 ۶. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۱؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۵۵.
 ۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۵.
 ۸. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۵۵.
 ۹. المغنی، ج ۳، ص ۲۵۴؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۶۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۰.

یافت می‌شود. (← تلبیه*)

ک. و دعا هنگام احرام: در حالات گوناگون احرام، دعاهایی خاص مستحب به شمار رفته است؛ از جمله هنگام پوشیدن جامه احرام^۱ و پس از پوشیدن آن^۲، هنگام محرم شدن^۳ و پس از تلبیه^۴.

ز. صلوات بر پیامبر ﷺ: به نظر برخی از فقیهان شیعه و اهل سنت^۵ صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ پس از تلبیه مستحب است. از مستندهای این نظر، آیه ۴ انشراح/۹۴ است که به جایگاه بلند یاد پیامبر گرامی ﷺ اشاره دارد: ﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾. برخی این آیه را درباره ضرورت یادکرد نام پیامبر ﷺ همراه نام خدا می‌دانند.^۶

افزون بر آن چه یاد شد، برخی فقیهان اهل سنت مستحباتی دیگر را برای احرام بر شمرده‌اند؛ همچون: رو به قبله بودن هنگام احرام^۷، قرار دادن دو انگشت در گوش هنگام تلبیه^۸ و درخواست بهره‌مندی از رضوان الهی

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۲۷؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۷۴.
۲. تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۳۲.
۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۴۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۶۶.
۴. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۶۴؛ تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۳.
۵. المغنی، ج ۲، ص ۲۶۰؛ تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۶۲.
۶. المغنی، ج ۳، ص ۲۶۰؛ تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۶۲.
۷. روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۵۰؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۷۸.
۸. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۸۱.

و بهشت، پس از تلبیه.^۹

◀ محرمات احرام: هنگام احرام، برخی کارها بر محرم حرام می‌شود که از آن‌ها به «تروک احرام»^{۱۰} یا «محظورات احرام»^{۱۱} تعبیر شده است. برخی از این محرمات ویژه مردان، شماری مختص زنان، و بسیاری از آن‌ها مشترک میان مردان و زنان است.^{۱۲} در شمارش این محرمات در منابع فقهی اختلافاتی به چشم می‌خورد. در دیدگاه مشهور فقیهان امامی^{۱۳} و برخی از فقیهان اهل سنت^{۱۴} از محرمات بیست‌گانه سخن رفته است. آرای دیگری نیز در میان فقیهان شیعه و اهل سنت یافت می‌شود؛ از جمله: ^{۱۵}۷، ^{۱۶}۹، ^{۱۷}۱۰، ^{۱۸}۱۴، ^{۱۹}۱۸، ^{۲۰}۲۳، ^{۲۱}۲۴، ^{۲۲}۲۵، ^{۲۳}۲۶ و ^{۲۴}۳۰. مهم‌ترین

۹. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۶۴.
۱۰. تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۶۲؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۶۹.
۱۱. روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۱۸؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۱.
۱۲. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۳۸.
۱۳. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۳؛ تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۶۳؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۰۳.
۱۴. نک: حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۱۵۹.
۱۵. اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۵۹؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۳۱.
۱۶. المغنی، ج ۳، ص ۲۶۲؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۸۹.
۱۷. الاقناع، ج ۱، ص ۲۲۷؛ حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۱۵۹.
۱۸. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۸۶؛ فقه الصادق، ج ۱۰، ص ۳۲۸.
۱۹. الحج و العمرة، ص ۱۸۷؛ الموسوعة الفقهية المیسرة، ج ۱، ص ۳۱۱.
۲۰. الممتد، ج ۳، ص ۳۶۰؛ «کتاب الحج»؛ مناسک الحج، سیستانی، ص ۱۰۲.
۲۱. مناسک الحج، وحید خراسانی، ص ۸۷.
۲۲. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۳۶.

د. جدال.^۶ مقصود از جدال، در باور فقیهان امامی، سوگند خوردن به خدا برای پیروزی بر طرف مقابل است، با گفتن جملاتی مخصوص.^۷ فقیهان اهل سنت مقصود از آن را تخاصم، مجادله و تفاخر دانسته‌اند.^۸ (← جدال) هـ. التذاذ جنسی. به نظر فقیهان امامی و اهل سنت، هرگونه لذت‌جویی جنسی بر محرم حرام است.^۹ (← التذاذ جنسی) و. استمناء یا خودارضایی.^{۱۰} (← خودارضایی*) ز. عقد ازدواج. به نظر فقیهان امامی و برخی فقیهان اهل سنت، عقد ازدواج بر محرم حرام است؛ خواه ولی باشد و خواه وکیل^{۱۱} و برای خودش باشد یا دیگری.^{۱۲} برخی از فقیهان اهل سنت آن را جایز شمرده‌اند.^{۱۳} (← نکاح*) ح. ازاله و زدودن یا قطع کردن مو از سر یا بدن خود یا دیگری.^{۱۴} (← ازاله مو) ط. کندن یا

سبب اختلاف نظر در شمار محرمات، به ویژه میان فقیهان شیعه و اهل سنت، اختلاف در اصل حلیت یا حرمت برخی از اعمال است. اهل سنت برخی از کارهایی را که فقیهان شیعه حرام دانسته‌اند، حلال می‌شمارند و به عکس. نیز برخی از فقیهان شماری از این محرمات را با عناوین کلی یاد کرده‌اند و برخی دیگر آن‌ها را به‌گونه تفصیلی برشمرده‌اند. این محرمات به اختصار عبارتند از:

۱. محرمات مشترک میان مردان و

زنان: ۱. شکار حیوانات خشکی. به اتفاق شیعه^۱ و اهل سنت^۲ شکار حیوانات خشکی بر محرم حرام است. (← صید) ب. آمیزش. هرگونه مباشرت جنسی، خواه با همسر باشد یا دیگری، با انسان باشد یا حیوان، برای محرم حرام است.^۳ (← آمیزش) ج. فسوق. در برخی حدیث‌های امامان شیعه علیهم‌السلام فسوق به دروغ و دشنام معنا شده است^۴، هر چند برخی مقصود از آن را مطلق گناه شمرده‌اند.^۵ (← فسوق)

۱. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۳؛ المعتمد، ج ۳، ص ۲۵۸، «کتاب الحج».
۲. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۸۵؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۸۶.
۳. النهایه، ص ۲۱۸؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۰۶؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۹۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۶۴.
۴. تهذیب، ج ۵، ص ۲۹۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۶۳.
۵. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۴۰؛ مجمع الروا، ج ۶، ص ۳۱۸.

۶. المغنی، ج ۳، ص ۲۶۴؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۹۳؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۶۶.
۷. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۹۳؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۰۸.
۸. المغنی، ج ۳، ص ۲۶۵؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۶۶.
۹. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۵؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۸۰؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۶۸.
۱۰. الاقناع، ج ۱، ص ۲۳۹؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۲۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۰۷.
۱۱. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۸۲-۳۸۳؛ الاقناع، ج ۱، ص ۲۳۹.
۱۲. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۸۳؛ اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۶۱.
۱۳. بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۳۷؛ الجواهر النقی، ج ۷، ص ۲۱۰.
۱۴. المجموع، ج ۷، ص ۲۴۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۵؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۳.

کوتاه کردن ناخن.^۱ (← ناخن) ی. کاربرد بوی خوش. بهره بردن از بوی خوش، خواه با بوییدن و خواه مالیدن آن به بدن، برای محرم حرام است.^۲ (← بوی خوش) ک. روغن مالیدن. به نظر همه فقیهان امامی و بیشتر فقیهان اهل سنت، مالیدن روغن معطر^۳ و به نظر مشهور فقیهان امامی و برخی از فقیهان اهل سنت، مالیدن روغن غیر معطر به بدن نیز حرام است.^۴ برخی فقیهان تنها کاربرد آن را در سر ممنوع کرده‌اند.^۵ (← روغن مالیدن) ل. کندن درختان و گیاهان حرم، جز موارد خاص. (← گیاه حرم) م. کشتن جانوران روی بدن. به نظر مشهور فقیهان امامی^۶ و برخی از فقیهان اهل سنت^۷ کشتن جانوران بدن مانند پشه و شپش بر محرم حرام است. اندکی از فقیهان شیعه و برخی از اهل سنت، این کار را مکروه شمرده‌اند.^۸

(← کشتن جانوران) ن. سر مه کشیدن. به نظر برخی از فقیهان امامی^۹ و اهل سنت^{۱۰} استفاده از سر مه معطر و غیر معطر بر محرم حرام است؛ هر چند بعضی آن را مباح دانسته‌اند.^{۱۱} (← سر مه کشیدن) س. حمل سلاح. به نظر مشهور فقیهان شیعه، جز در موارد ضروری، حمل سلاح بر محرم حرام است.^{۱۲} شماری از فقیهان این کار را مکروه شمرده‌اند.^{۱۳} (← سلاح برداشتن) ع. نگاه کردن در آینه. به باور مشهور فقیهان شیعه و برخی از فقیهان اهل سنت، نگاه کردن در آینه بر محرم حرام^{۱۴} و به نظر برخی دیگر، مکروه است.^{۱۵} (← نگاه کردن در آینه) ف. کشیدن دندان. به نظر مشهور فقیهان امامی^{۱۶} و برخی فقیهان اهل سنت^{۱۷} کشیدن دندان بر محرم، حرام و به نظر برخی، جایز

۹. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۲۴؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۷۶.
 ۱۰. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۳؛ معنی المحتاج، ج ۳، ص ۴۰۰؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۹۹.
 ۱۱. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۳؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۷۶؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۲۴-۳۲۵.
 ۱۲. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰۳؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۶۱؛ «کتاب الحج».
 ۱۳. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰۳.
 ۱۴. المعنی، ج ۳، ص ۲۹۸؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۵۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۴۸.
 ۱۵. المحلی، ج ۷، ص ۲۴۷؛ الخلاف، ج ۲، ص ۳۱۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۵۸.
 ۱۶. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۶۱؛ المعتمد، ج ۴، ص ۴۲؛ «کتاب الحج».
 ۱۷. المحلی، ج ۷، ص ۲۴۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۶۶۷.

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۵۴-۳۵۵؛ الاقناع، ج ۱، ص ۲۳۹؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۹۰.
 ۲. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۲؛ المعنی، ج ۳، ص ۲۹۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۸۱؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰۳.
 ۳. المعنی، ج ۳، ص ۳۰۱؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۲۲؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۹۹.
 ۴. المعنی، ج ۳، ص ۳۰۰؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۳۵؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۲۷.
 ۵. المعنی، ج ۳، ص ۳۰۱؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۸۷؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۷۳.
 ۶. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۶۲؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۶.
 ۷. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۶۵؛ المعنی، ج ۳، ص ۲۶۷.
 ۸. المعنی، ج ۳، ص ۲۶۷؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۵۱۱.

احرام بر مردان حرام است؛ خواه پیراهن باشد و خواه شلوار. برخی فقیهان شیعه این کار را برای زنان نیز جایز ندانسته‌اند.^{۱۱} (← لباس احرام) ب. پوشاندن سر. پوشاندن سر به اجماع فقیهان شیعه^{۱۲} و اهل سنت^{۱۳} بر مردان حرام است.^{۱۴} (← پوشاندن سر*) ج. زیر سایه رفتن. به اجماع فقیهان امامی^{۱۵} و برخی از مذاهب اهل سنت^{۱۶} زیر سایه رفتن مردان در حال احرام حرام است. به باور برخی از فقیهان اهل سنت، این کار برای مردان جایز است.^{۱۷} (← استظلال) د. پوشاندن روی پا. به نظر فقیهان امامی^{۱۸} و بسیاری از فقیهان اهل سنت، پوشاندن روی پا به طور کامل، بر مردان حرام است.^{۱۹} (← پوشاندن پا) ه. استفاده از انگشتر. به باور فقیهان امامی، استفاده از انگشتر برای زینت، نه برای رعایت استحباب، بر مردان

است.^۱ (← دندان کشیدن) ص. بیرون آوردن خون. به نظر بسیاری از فقیهان شیعه و برخی از فقیهان اهل سنت، بیرون آوردن اختیاری خون بر محرم حرام است^۲، هر چند با خاراندن بدن یا مسواک زدن باشد.^۳ برخی از فقیهان این کار را مکروه یا مباح شمرده‌اند.^۴ (← خون بیرون آوردن)

افزون بر آن چه یاد شد، برخی فقیهان مواردی دیگر را از محرّمات احرام دانسته‌اند؛ از جمله زینت کردن^۵، فروبردن سر در آب^۶، غسل کردن به قصد خنک شدن^۷ و غسل دادن شخص محرم با کافور پس از مرگ.^۸

۲.۷. محرّمات مخصوص مردان:

ا. پوشیدن لباس دوخته. به اتفاق فقیهان شیعه^۹ و اهل سنت^{۱۰}، پوشیدن لباس دوخته در حال

۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۴؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۷۰؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۳۰.
۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۷۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۰۷؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۷.
۳. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۶۵؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۵۹.
۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۷۸؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۵۷-۳۵۸؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۵؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۲۴.
۵. تعالیک مبسوطه، ج ۱۰، ص ۲۲۷؛ کلمة التقوی، ج ۳، ص ۳۲۵.
۶. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۳۹؛ مناسک الحج، سیستانی، ص ۱۰۲.
۷. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۸۳؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۲۰.
۸. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۲۱؛ کتاب الحج، گلپایگانی، ج ۲، ص ۲۹۴.
۹. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۵؛ الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۲۲۹؛ الاقناع، ج ۱، ص ۲۳۷.
۱۰. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۴۲؛ الاقناع، ج ۱، ص ۲۳۷.

۱۱. الحدائق، ج ۱۵، ص ۸۹.
۱۲. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۳۰؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۸۹.
۱۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۰۲؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۳۳.
۱۴. المغنی، ج ۳، ص ۳۰۲؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۳۳؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۳۰.
۱۵. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۷۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۷.
۱۶. المغنی، ج ۳، ص ۲۸۲؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۸.
۱۷. المغنی، ج ۳، ص ۲۸۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۵۷.
۱۸. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۹۸؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۸۲.
۱۹. المجموع، ج ۷، ص ۲۵۸؛ الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۲۷۲؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۸۲.

حرام است.^۱ (← زینت)

۳.۷. محرمات مخصوص زنان:

ا. پوشاندن صورت. به اجماع فقیهان شیعه^۲ و اهل سنت^۳ پوشاندن صورت بر زنان در حال احرام حرام است. (← پوشاندن صورت) ب. بهره گرفتن از زیورآلات. به باور فقیهان امامی^۴ و برخی از فقیهان اهل سنت^۵ بهره گرفتن از زیورآلات بر زنان محرم به قصد زینت حرام؛ و از دید برخی از فقیهان اهل سنت، مکروه یا مباح است.^۶ (← زینت) ج. پوشیدن دستکش. به نظر فقیهان امامی^۷ و اهل سنت^۸ پوشیدن دستکش بر زنان حرام؛ و به نظر برخی دیگر مباح است.^۹ (← پوشاندن دست*)

انجام آگاهانه هر یک از این محرمات، کفاره دارد. اما اگر این کار از روی سهو یا خطا و یا فراموشی انجام گیرد، کفاره ندارد، جز شکار که هر چند با سهو یا فراموشی،

کفاره دارد.^{۱۰} (← کفاره)

◀ **مکروهات احرام:** انجام دادن برخی کارها برای احرام گزار مکروه به شمار رفته است؛ از جمله:

۱. **حمام رفتن:** به اجماع فقیهان امامی^{۱۱} و برخی فقیهان اهل سنت^{۱۲} به استناد روایات، حمام رفتن برای محرم مکروه است. برخی از فقیهان امامی^{۱۳} و بیشتر فقیهان اهل سنت^{۱۴} با استناد به اصل اباحه و نیز سیره پیامبر ﷺ و صحابه^{۱۵} و حدیث‌های امامان علیهم‌السلام^{۱۶} این کار را مکروه ندانسته‌اند.

۲. **ساییدن بدن:** فقیهان امامی^{۱۷} و برخی از فقیهان اهل سنت^{۱۸} برطرف کردن آلودگی‌های بدن با ساییدن را برای محرم مکروه شمرده‌اند؛ زیرا ممکن است این کار سبب خونریزی یا زدودن مو شود که از محرمات احرام به شمار می‌روند.^{۱۹} برخی از

۱۰. السرائر، ج ۱، ص ۵۴۸؛ فقه الصادق، ج ۹، ص ۱۵۳.

۱۱. ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۶۰۳؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۰۶.

۱۲. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۹.

۱۳. الخلاف، ج ۲، ص ۳۱۴؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۶۲.

۱۴. الام، ج ۲، ص ۱۵۹؛ المحلی، ج ۷، ص ۲۴۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱.

۱۵. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۳؛ عمدة القاری، ج ۱۰، ص ۲۰۱.

۱۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۷.

۱۷. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۷۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۳۲.

۱۸. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۹.

۱۹. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۵۹؛ موسوعة الفقه الاسلامی، ج ۶، ص ۴۶۰.

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۲۹؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۴۵.

۲. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۳۷؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۵۹.

۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۵۰؛ الشرح

الکبیر، ج ۳، ص ۳۲۴.

۴. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۲۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۷۱.

۵. المغنی، ج ۳، ص ۳۰۹.

۶. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۸؛ المجموع، ج ۱۸، ص ۱۸۹.

۷. الخلاف، ج ۲، ص ۲۹۴؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰۲.

۸. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۵۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۱۰.

۹. المغنی، ج ۲، ص ۳۰۹؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۵۴؛ اعانة الطالبین،

ج ۲، ص ۳۶۷.

امامی^۹ بر پایه روایات، کشتی گرفتن را بر محرم مکروه شمرده‌اند، با این استدلال که ممکن است به مجروح شدن فرد یا زدودن مو بینجامد که در حال احرام ممنوع است.^{۱۰}

۶. خواستگاری: به نظر بیشتر فقیهان امامی^{۱۱} و اهل سنت^{۱۲} خواستگاری کردن برای محرم مکروه است؛ خواه مرد باشد یا زن و خواه خواستگاری برای خود وی یا دیگری انجام گیرد.^{۱۳} مستند این حکم، حدیث‌های پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام^{۱۴} است. برخی از فقیهان این کار را حرام دانسته‌اند.^{۱۵} (← خواستگاری کردن)

۷. لبیک گفتن در پاسخ افراد: به نظر فقیهان امامی و بر پایه حدیث‌هایی، لبیک گفتن در پاسخ کسی که محرم را فراخوانده، مکروه است.^{۱۶} امامان علیهم‌السلام سفارش کرده‌اند که محرم در پاسخ دیگری، تعبیر «یا سعد» را به کار برد^{۱۷}؛ زیرا او در مقام لبیک گفتن به خداوند است و شریک کردن دیگران در آن

فقیهان اهل سنت با استناد به سیره پیامبر ﷺ و روش صحابه، این کار را جایز دانسته‌اند.^۱

۳. بهره گرفتن از گیاهان خوشبو: به نظر برخی از فقیهان امامی^۲ و اهل سنت^۳ بهره گرفتن از همه یا بعضی از گیاهان خوشبو، به استناد روایات^۴ بر محرم مکروه است؛ زیرا مایه بهره‌مندی از آسایش و لذت می‌شود که با فلسفه احرام ناسازگار است.^۵ برخی فقیهان به پشتوانه حدیث‌هایی که به گونه مطلق کاربرد بوی خوش را نهی کرده، استفاده از این گیاهان را حرام شمرده‌اند.^۶ (← بوی خوش)

۴. احتبأء: از دید فقیهان امامی، به پشتوانه روایات^۷، احتبأء در حال احرام یا برای محرم در مسجدالحرام کراهت دارد. احتبأء به معنای نشستن و بالا بردن دو ساق پا و جمع کردن آن به سمت شکم، به کمک دستان یا پارچه است.^۸ (← احتبأء)

۵. کشتی گرفتن: برخی از فقیهان

۱. الام، ج ۲، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ المحلی، ج ۷، ص ۲۴۶؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۳.
۲. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۹۶؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۷۳.
۳. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۶.
۴. مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۳۳.
۵. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۳۳.
۶. مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۳۴.
۷. کفاية الاحکام، ج ۱، ص ۳۰۷؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۶۵؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۱.
۸. معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص ۳۱؛ معجم لغة الفقهاء، ص ۴۵.
۹. مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۱.
۱۰. الدروس، ج ۱، ص ۳۸۸؛ کفاية الاحکام، ج ۱، ص ۳۰۷.
۱۱. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۴؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۸۴.
۱۲. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۴.
۱۳. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۴؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۸۵.
۱۴. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۴؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۳۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۱۶.
۱۵. المحلی، ج ۷، ص ۱۹۸؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۸۴.
۱۶. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۳۷؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۸۱.
۱۷. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۸۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۳۲.

شایسته نیست.^۱

۸. احرام در لباس آلوده: فقیهان

امامی، به استناد حدیثی^۲ احرام در لباس آلوده و چرکین را مکروه شمرده‌اند.^۳ این کراهت ویژه آغاز احرام است و اگر لباس در اثنای احرام چرکین شود، بهتر است شستن آن تا زمان تحلل^۴ به تأخیر افتد. فقیهان اهل سنت نیز نو بودن و پاکیزگی لباس احرام در آغاز احرام را از مستحبات آن دانسته‌اند.^۵

۹. احرام در لباس رنگی، به ویژه

لباس سیاه: به نظر مشهور فقیهان امامی^۶ و برخی از فقیهان اهل سنت^۷ احرام در لباس رنگی به استناد روایات^۸ مکروه است. شماری از فقیهان امامی به پشتوانه احادیث^۹، محرم شدن در لباس سبز یا هر رنگ دیگر جز سیاه را جایز می‌دانند.^{۱۰} برخی از فقیهان امامی با استناد به ظاهر روایات، احرام در لباس سیاه را

حرام دانسته‌اند.^{۱۱} شماری از فقیهان اهل سنت بر آنند که این کار تنها برای کسانی مکروه است که الگو و مقتدای دیگران هستند.^{۱۲}

۱۰. خوابیدن بر بستر رنگی یا زرد:

فقیهان امامی با استناد به حدیث‌هایی^{۱۳} خوابیدن بر بستر رنگی و بالش زرد را مکروه دانسته‌اند؛^{۱۴} زیرا این کار مایه رفاه و تن‌آسایی به شمار می‌رود که با فلسفه احرام سازگاری ندارد.^{۱۵}

۱۱. بهره‌گیری از حنا: از دید مشهور

فقیهان امامی و برخی از اهل سنت، بهره‌گیری از حنا در حال احرام^{۱۶} و نیز پیش از آن، اگر اثرش تا آن هنگام بماند^{۱۷}، با استناد به حدیث‌هایی^{۱۸} مکروه است. برخی فقیهان امامی به پشتوانه روایات دیگر و از آن رو که حنا بستن زینت به شمار می‌رود و هر زینتی بر محرم حرام است، این کار را حرام شمرده‌اند.^{۱۹} شماری از فقیهان اهل سنت این

۱. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۹۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۳۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۷۷.

۳. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۳۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۴۲.

۴. الدرر، ج ۱، ص ۳۸۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۲۷.

۵. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۴۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۲۶؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۱۷.

۶. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۹۵.

۷. المجموع، ج ۷، ص ۲۱۷.

۸. الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۵۳-۵۵۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۲۳-۴۲۴.

۹. الکافی، ج ۴، ص ۳۴۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۵.

۱۰. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۸۲؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۰۱.

۱۱. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۸۲.

۱۲. مختصر خلیل، ص ۷۱؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۱۳.

۱۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۱؛ تهذیب، ج ۵، ص ۶۸.

۱۴. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۷۴؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۴۱.

۱۵. مختصر خلیل، ص ۷۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۲۷.

۱۶. الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۳۲۷؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۷۶.

الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۶۰.

۱۷. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۶۸؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۷۷.

۱۸. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۶؛ تهذیب، ج ۵، ص ۳۰۰.

۱۹. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۷۶؛ ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۲۹۶.

شکاری^{۱۳}، خوردن از گوشت صید^{۱۴}، خاراندن سر با ناخن^{۱۵}، سرمه کشیدن^{۱۶}، خوردن روغن‌های خوشبو^{۱۷}، نشستن نزد عطر فروش^{۱۸} و قرار دادن عطر در پارچه و بوییدن آن^{۱۹}.

◀ **خروج از احرام:** بیرون رفتن از احرام به دو صورت انجام می‌پذیرد: ۱. اضطرابی و غیر اختیاری؛ بدین سان که موانع بیرونی همچون دشمن یا بروز بیماری و عوارض کهولت مانع انجام یا اتمام حج و عمره شود. در این حال، محرم می‌تواند با شرایطی از احرام خارج شود. (← احصار و صد) ۲. اختیاری و با پایان یافتن همه یا برخی از واجبات عمره یا حج. در هر یک از اقسام احرام، خروج مرحله‌ای یا کامل از حالت احرام، به گونه‌ای خاص تحقق می‌یابد:

▼ **۱. عمره مفرده:** به نظر فقیهان امامی، در عمره مفرده، پس از حلق یا تقصیر، محرم از احرام بیرون می‌آید و جز کامیابی جنسی همه محرمات بر او حلال می‌شوند.^{۲۰} پس از

۱۳. المجموع، ج ۷، ص ۲۹۸؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۲۳.
 ۱۴. المحلی، ج ۷، ص ۲۵۰.
 ۱۵. المجموع، ج ۷، ص ۳۵۲.
 ۱۶. الخلاف، ج ۲، ص ۳۱۳.
 ۱۷. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰۴؛ ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۹۱.
 ۱۸. نک: المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۶؛ الخلاف، ج ۲، ص ۳۰۷؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۴۷.
 ۱۹. الخلاف، ج ۲، ص ۳۰۷.
 ۲۰. الخلاف، ج ۲، ص ۳۴۷؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۶۷.

کار را مستحب دانسته‌اند.^۱ افزون بر مکروهات یاد شده، فقیهان شیعه و اهل سنت کارهایی دیگر را نیز در شمار مکروهات احرام یاد کرده‌اند؛ از جمله: احرام در لباس راه‌راه، نقاب زدن برای زن احرام‌گزار^۲، شستن سر با سیدر و خَطْمی^۳، بسیار مسواک زدن، گفتن سخنان بیهوده، شستن بدن با آب سرد، شعر خواندن^۴، نگاه کردن در آینه، بیرون آوردن خون از بدن^۵، حمل سلاح در موارد غیر ضرور^۶، شستن لباس احرام تا زمان تحلل^۷، حجامت کردن در غیر ضرورت^۸، پوشیدن لباس شهرت^۹، فروش لباس احرام حتی پس از پایان اعمال^{۱۰}، خوردن لقمه غذایی که به دست همسر یا کنیز آن فرد آماده شده باشد^{۱۱}، فروبردن سر در آب^{۱۲}، همراه داشتن حیوان

۱. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۰؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۵۲۱.
 ۲. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۹۶؛ الحدائق، ج ۷، ص ۱۴۲.
 ۳. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۳؛ الدرر، ج ۱، ص ۳۸۸.
 ۴. الدرر، ج ۱، ص ۳۸۸؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۶۳-۵۶۷.
 ۵. الخلاف، ج ۲، ص ۳۱۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۵۸؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۴-۴۷.
 ۶. ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۶۰۲.
 ۷. السرائر، ج ۱، ص ۵۴۲.
 ۸. الخلاف، ج ۲، ص ۳۱۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۰۷.
 ۹. مناسک الحج، وحید خراسانی، ص ۱۹۶.
 ۱۰. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۸۴.
 ۱۱. المقنعه، ج ۴۳۴؛ الدرر، ج ۱، ص ۴۹۴.
 ۱۲. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۹-۴۶۰.

محرمات حلال می گردند و فرد به طور کامل از احرام خارج می شود.^۶ (← تحلل)

◀ منابع

احكام القرآن: الجصاص (م. ۳۷۰ق.)، به كوشش عبدالسلام، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق؛
 احياء علوم الدين: الغزالي (م. ۵۰۵ق.)، بيروت، دار الكتب العربي؛ اخبار مكة: الازرقى (م. ۲۴۸ق.)، به كوشش رشدی الصالح، مكة، مكتبة الثقافة، ۱۴۱۵ق؛ اسرار و معارف حج: معاونت امور روحانيون، دار الحديث، ۱۳۸۶ش؛
 اعانة الطالبين: السيد البكري الدمياطي (م. ۱۳۱۰ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۸ق؛
 الاقناع: الشربيني (م. ۹۷۷ق.)، بيروت، دار المعرفة؛ الام: الشافعي (م. ۲۰۴ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۳ق؛ الانتصار: السيد المرتضى (م. ۴۳۶ق.)، قم، النشر الاسلامي، ۱۴۱۵ق؛
 ايضاح الفوائد: محمد بن الحسن بن يوسف الحلبي (م. ۷۷۱ق.)، به كوشش اشتهاردی و ديگران، قم، العلميه، ۱۳۸۷ق؛ بحار الانوار: المجلسي (م. ۱۱۰ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق؛ البحر الرائق: ابونجيم المصري (م. ۹۷۰ق.)، به كوشش زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۸ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدين الكاشاني (م. ۵۸۷ق.)، باكستان، المكتبة الحبيبيه، ۱۴۰۹ق؛ بداية المجتهد: ابن رشد القرطبي (م. ۵۹۵ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ البداية و النهاية: ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، به كوشش علي شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۸ق؛ تاج العروس: الزبيدي (م. ۱۲۰۵ق.)، به كوشش علي

گزاردن طواف نساء و نماز طواف، محرم به طور كامل از احرام خارج می شود.^۱ به نظر فقيهان اهل سنت، پس از حلق يا تقصير، تحلل كامل صورت می گيرد.^۲

۲. **عمره تمتع:** به نظر فقيهان امامی^۳ پس از تقصير؛ و به نظر فقيهان اهل سنت^۴ پس از تقصير يا حلق، احرام خاتمه می يابد و همه محرمات آن حلال می شوند.

۳. **حج:** به نظر مشهور فقيهان امامی، پس از حلق و قربانی در روز عيد قربان، همه محرمات جز بهره گرفتن از بوی خوش و کاميابی جنسی بر احرام گزار حلال می شود.

پس از طواف حج و نماز طواف و سعی، بهره گرفتن از بوی خوش نیز بر او حلال می گردد و با انجام دادن طواف نساء، به طور كامل از احرام بيرون می آيد.^۵ فقيهان اهل سنت دو مرحله را برای خروج از احرام حج باور دارند: أ. به نظر برخی از فقيهان اهل سنت، پس از رمی جمره عقبه و قربانی و حلق يا تقصير، همه محرمات جز کاميابی جنسی يا کاميابی و بهره گرفتن از بوی خوش و يا اين دو و شكار کردن بر محرم حلال می گردد. ب. پس از کارهای ياد شده و طواف افاضه، همه

۱. رياض المسائل، ج ۶ ص ۵۱۵؛ جواهر الكلام، ج ۲۰ ص ۴۶۷.

۲. معنى المحتاج، ج ۱ ص ۵۰۵؛ الموسوعة الفقهية، ج ۲ ص ۱۷۶.

۳. الحدائق، ج ۱۶ ص ۲۹۶-۳۰۵؛ جواهر الكلام، ج ۲۰ ص ۴۵۳.

۴. الموسوعة الفقهية، ج ۲ ص ۱۷۶.

۵. الخلاف، ج ۲ ص ۳۴۷-۳۴۸؛ الحدائق، ج ۱۷ ص ۲۵۰.

۶. الفقه الاسلامي، ج ۳ ص ۲۲۸۹-۲۲۹۰؛ الموسوعة الفقهية، ج ۲ ص ۱۷۵-۱۷۶.

(م. ۹۹۴ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛
الخلاص: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش
 خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق؛
الدر المنثور: السيوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار
 المعرفة، ۱۳۶۵ق؛ **الدروس الشرعية**: الشهيد
 الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛
ذخيرة المعاد: محمد باقر السبزواری
 (م. ۱۰۹۰ق.)، آل البيت (ع)؛ **الروضة البهيمة**:
 الشهيد الثاني (م. ۹۶۵ق.)، به کوشش کلانتر،
 قم، مكتبة الداوری، ۱۴۱۰ق؛ **روضة الطالبين**:
 النووي (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش عادل احمد و
 علی محمد، بیروت، دار الكتب العلمية؛ **رياض
 المسائل**: سيد علی الطباطبائي (م. ۱۲۳۱ق.)،
 قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ **زبدة البيان**:
 المقدس الاردبیلی (م. ۹۹۳ق.)، به کوشش
 بهبودی، تهران، المكتبة المرتضوية؛ **سبل
 السلام**: الكحلاني (م. ۱۱۸۲ق.)، مصر، مصطفى
 البیابی، ۱۳۷۹ق؛ **السرائر**: ابن ادريس
 (م. ۵۹۸ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ **سلسلة
 الينابيع الفقهية**: علی اصغر مرواريد، بیروت، فقه
 الشيعية، ۱۴۱۳ق؛ **سنن ابن ماجه**: ابن ماجه
 (م. ۲۷۵ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار
 احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ق؛ **سنن ابي داود**:
 السجستاني (م. ۲۷۵ق.)، به کوشش سعید
 محمد اللحام، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۰ق؛ **سنن
 الترمذی**: الترمذی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش
 عبدالوهاب، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۲ق؛ **سنن
 الدارقطني**: الدارقطني (م. ۳۸۵ق.)، به کوشش
 مجدی الشوری، بیروت، دار الكتب العلمية،
 ۱۴۱۷ق؛ **السنن الكبرى**: البيهقي (م. ۴۵۸ق.)،
 بیروت، دار الفكر؛ **الشرح الكبير**: عبدالرحمن بن
 قدامه (م. ۶۸۲ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی؛
شرايع الاسلام: المحقق الحلبي (م. ۶۷۶ق.)، به
 کوشش سيد صادق شیرازی، تهران، استقلال،
 ۱۴۰۹ق؛ **الصالح**: الجوهری (م. ۳۹۳ق.)، به

شیری، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ق؛ **تاریخ
 طبری (تاریخ الامم و الملوك)**: الطبری
 (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت،
 اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ **تاریخ اليعقوبي**: احمد بن
 يعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛
تحريیر الاحكام الشرعية: العلامة الحلبي
 (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه
 الامام الصادق (ع)؛ ۱۴۲۰ق؛ **تذكرة الفقهاء**:
 العلامة الحلبي (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت (ع)؛
 ۱۴۱۴ق؛ **تعاليق مبسوطة**: محمد اسحاق
 الفياض، محلاتی؛ **التفسير الكاشف**: المغنیه،
 بیروت، دار العلم للملايين، ۱۹۸۱م؛ **تفسير
 قرطبي (الجامع لاحكام القرآن)**: القرطبي
 (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی،
 ۱۴۰۵ق؛ **التفسير الكبير**: الفخر الرازی
 (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛
تهذيب الاحكام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به
 کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الكتب
 الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ **جامع احاديث الشيعه**:
 اسماعيل معزی ملایری، قم، المطبعة العلمیه،
 ۱۳۹۹ق؛ **جامع البيان**: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به
 کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفكر،
 ۱۴۱۵ق؛ **جامع المدارك**: سيد احمد
 الخوانساری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش غفاری،
 تهران، مكتبة الصدوق، ۱۴۰۵ق؛ **جامع
 المقاصد**: الکرکی (م. ۹۴۰ق.)، قم، آل
 البيت (ع)؛ ۱۴۱۱ق؛ **جواهر الكلام**: النجفی
 (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران،
 بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **الجواهر النقی**:
 الماردینی (۷۵۰ق.)، دار الفكر؛ **الحج و العمرة
 فی الكتاب و السنه**: الری شهري، قم، دار
 الحديث، ۱۳۷۶ش؛ **الحداثق الناصره**: يوسف
 البجرانی (م. ۱۱۸۶ق.)، به کوشش آخوندی، قم،
 نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش؛ **حواشی الشروانی و
 العبادی**: الشروانی (م. ۱۳۰۱ق.) و العبادی

اصفهان، مهدوی؛ **كشف اللثام: الفاضل الهندي** (م. ١٣٧ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٦ق؛ **كفاية الاحكام (كفاية الفقه): محمد باقر السبزواري** (م. ١٠٩٠ق.)، به كوشش الواعظي، قم، النشر الاسلامي، ١٤٢٣ق؛ **كلمة التقوى (فتاوى): محمد امين زين الدين، قم، مهر، ١٤١٣ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ٧١١ق.)، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ المبسوط في فقه الاماميه: الطوسي (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش يهودي، تهران، المكتبة المرتضويه؛ المبسوط: السرخسي (م. ٤٨٣ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٦ق؛ **مجمع البيان: الطبرسي (م. ٥٤٨ق.)، به كوشش گروهی از علماء، بيروت، اعلمی، ١٤١٥ق؛ مجمع الزوائد: الهيثمي (م. ٨٠٧ق.)، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٢ق؛ **مجمع الفائدة و البرهان: المحقق الاردبيلي (م. ٩٩٣ق.)، به كوشش عراقي و ديگران، قم، انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق؛ **المجموع شرح المهذب: النووي (م. ٦٧٦ق.)، دار الفكر؛ المحاسن: ابن خالد البرقي (م. ٢٧٤ق.)، به كوشش حسيني، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٢٦ش؛ **المحلى بالآثار: ابن حزم الاندلسي (م. ٤٥٦ق.)، به كوشش احمد شاکر، بيروت، دار الفكر؛ مختصر خليل: محمد بن يوسف (م. ٨٩٧ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٦ق؛ **مختلف الشيعه: العلامة الحلبي (م. ٧٢٦ق.)، قم، النشر الاسلامي، ١٤١٢ق؛ **مدارك الاحكام: سيد محمد بن علي الموسوي العاملي (م. ١٠٠٩ق.)، قم، آل البيت (ع)، ١٤١٠ق؛ **المدونة الكبرى: مالك بن انس (م. ١٧٩ق.)، مصر، مطبعة السعادة؛ مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام: الشهيد الثاني (م. ٩٦٥ق.)، قم، معارف اسلامي، ١٤١٦ق؛ **مستدرک الوسائل: النوري (م. ١٣٢٠ق.)، بيروت، آل البيت (ع)، ١٤٠٨ق؛ **مستمسک العروة الوثقى: سيد محسن حكيم (م. ١٣٩٠ق.)،********************

كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ **صحيح البخاري: البخاري (م. ٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ **صحيح مسلم: مسلم (م. ٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **صهباي حج: جوادى آملی، قم، اسراء، ١٣٧٧ش؛ **العروة الوثقى: سيد محمد كاظم يزدی (م. ١٣٣٧ق.)، قم، النشر الاسلامي، ١٤٢٠ق؛ **علل الشرايع: الصدوق (م. ٣٨١ق.)، به كوشش بحر العلوم، نجف، المكتبة الحيدريه، ١٣٨٥ق؛ **عمدة القاري: العيني (م. ٨٥٥ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ **العين: خليل (م. ١٧٥ق.)، به كوشش المخزومي و السامرائي، دار الهجرة، ١٤٠٩ق؛ **عيون اخبار الرضا (ع): الصدوق (م. ٣٨١ق.)، بيروت، اعلمی، ١٤٠٤ق؛ **فتح العزيز: عبدالكريم بن محمد الرافعي (م. ٦٢٣ق.)، دار الفكر؛ **الفقه الاسلامي و ادلته: وهبة الزحيلي، دمشق، دار الفكر، ١٤١٨ق؛ **فقه السنه: سيد سابق، بيروت، دار الكتاب العربي؛ **فقه الصادق (ع): سيد محمد صادق روحاني، قم، دار الكتاب، ١٤١٣ق؛ **فقه القرآن: الراوندي (م. ٥٧٣ق.)، به كوشش حسيني، قم، كتابخانه نجفی، ١٤٠٥ق؛ **قواعد الاحكام: العلامة الحلبي (م. ٧٢٦ق.)، قم، النشر الاسلامي، ١٤١٣ق؛ **الكافي: الكليني (م. ٣٢٩ق.)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ **كتاب الحج: تقرير بحث الكلبايگاني، الصابري، قم، الخيام، ١٤٠٠ق؛ **كتاب الحج: محاضرات الخوئي (م. ١٤١٣ق.)، الخليلي، قم، مدرسة دار العلم، ١٤١٠ق؛ **الكشاف: الزمخشري (م. ٥٣٨ق.)، مصطفى البابي، ١٣٨٥ق؛ **كشاف القناع: منصور البهوتي (م. ١٠٥١ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ **كشف الرموز: الفاضل الآبي (م. ٦٩٠ق.)، به كوشش اشتهاودي و يزدی، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٨ق؛ **كشف الغطاء: كاشف الغطاء (م. ١٢٢٧ق.)،**

اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ **النهاية: الطوسی** (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش آغا بزرگ تهرانی، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰ق؛ **وسائل الشیعه: الحر العاملی** (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البيت (ع.ع.)، ۱۴۱۲ق؛ **الوسيلة الی نیل الفضیله: ابن حمزه** (م. ۵۶۰ق.)، به کوشش محمد الحسون، قم، مكتبة النجفی، ۱۴۰۸ق.

سید عباس رضوی، سید جعفر صادقی فدکی



احرام كعبه: نمایان شدن پوشش سفید

كعبه بر اثر بالا بردن پرده آن

بر پایه سنتی تاریخی، در اواخر ذی قعدة پرده خانه خدا از چهار سو حدود يك قامت و نیم بالا زده می شود. در این حال، لایه زیرین و سفید پوشش كعبه نمایان می گردد و حالتی همانند حج گزاران احرام بسته می یابد که در اصطلاح به آن «احرام كعبه» می گویند.^۱ از این حالت به تسمیر كعبه نیز تعبیر می شود.^۲ (تصویر شماره ۱۸)

به گفته برخی، نخستین کسی که چنین کرد، مأمون عباسی بود.^۳ پاسداشت این سنت از آن روست که قداست پرده كعبه حفظ شود و با

قم، مكتبة النجفی، ۱۴۰۴ق؛ **مستند الشیعه: احمد النراقی** (م. ۱۲۴۵ق.)، قم، آل البيت (ع.ع.)، ۱۴۱۵ق؛ **مسند احمد: احمد بن حنبل** (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **المعتبر: المحقق الحلی** (م. ۶۷۶ق.)، مؤسسة سید الشهداء، ۱۳۶۳ش؛ **معتمد العروة الوثقی: محاضرات الخوئی** (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلیالی، قم، مدرسة دار العلم، ۱۴۰۴ق؛ **المعتمد فی شرح المناسک: محاضرات الخوئی** (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلیالی، قم، مدرسة دار العلم، ۱۴۱۰ق؛ **معجم الفاظ الفقه الجعفری: احمد فتح الله، الدمام**، ۱۴۱۵ق؛ **معجم لغة الفقهاء: محمد قلعه جی، بیروت**، دار النفاثس، ۱۴۰۸ق؛ **معجم مقاییس اللغة: ابن فارس** (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ **مغنی المحتاج: محمد الشربینی** (م. ۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ **المغنی: عبدالله بن قدامه** (م. ۶۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **المفصل: جواد علی، بیروت**، دار العلم للملایین، ۱۹۷۶م؛ **المقنعه: المفید** (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ **من لا یحضره الفقیه: الصدوق** (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ **مناسک الحج: السیستانی، قم**، چاپخانه شهید، ۱۴۱۳ق؛ **مناسک الحج: وحید الخراسانی؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی** (م. ۷۲۶ق.)، چاپ سنگی؛ **مواهب الجلیل: الخطاب الرعینی** (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ **موسوعة الفقه الاسلامی: مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامی**، ۱۴۲۸ق؛ **الموسوعة الفقهیة المیسره: محمد علی الانصاری، قم**، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵ق؛ **المهذب: القاضی ابن البراج** (م. ۴۸۱ق.)، به کوشش مؤسسة سیدالشهداء (ع.ع.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ **المیزان: الطباطبائی** (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت،

۱. رحلة ابن جبیر، ص ۱۲۸؛ رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۴۰۴؛ سفرنامه حجاز، ص ۲۳۱.
 ۲. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۷.
 ۳. مکه و مدینه، ص ۶۵.